

قیمت سالیانه
از وزراء و اعیان دولت بقدر
معارف دوستی شان
برای مکاتب و کتب خانهای ملی
ومعاونین و قائم نکاران (فخری)
رایگان
از عموم خریداران در داخله
(۱۲) روپیه کابلی در خارج
نمی‌بود انگلیسی با محصول پوسته
از طلاق و عصیان نصف قیمت
ششماهه
داخله خارج
(۸) روپیه (۷) شلنگ

درین جریده از مرگو نه علوم و وقایع سیاسی
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود

الآلهانجا

ده اخنوان کابل
سر دید
سید محمد قاسم
مه امورات تحریریه بنام
اداره فرستاده شود
اداره در افشار و اصلاح مقارات
وارده خنار است
در هر هفتہ یکبار نشر میشود
اور اقیک درج نشود اطلاع میشود

الآنچه

۷ م ۱۳۴۲

از ابتدای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش

جریده رایش فرستاده میشود

تها این شماره دو عباسی

نارخ شمسی (۲۰) سنه ۱۳۰۲ هجری (چهارشنبه) نارخ فری (ساخت) حرم المرام سنه (۱۳۴۲) هجری

هر سیاست فرداند رحالت

۱. امضای معاهده دولتین علیین ایران و افغانستان — ۲. فضول عهد نامه —
۳. قابل نوجه برادران اسلامیو
— اعلان — اسنکار وحوادث — حوادث خارجیه — حوادث داخلیه

هنگامیکه حس اخوت و صمیمیت بین مسلمانان ضمیف و مضمحل
کشت . آفتاب زق و نتمالی شان هم هر روزه بغرب افول زدیکتر
آمده روز روشن اقیان شان به شب تیره و ماربک ادب ابدی کرد
از طرف دیگر درنتیجه حبل و مکاریهای طمعکاران اروبا مال
دول اسلامیه از یکدیگر جدا و قهقهه مانده با وجود ارتباط قوی
معنوی اسلامیت رشته روابط و منابع سیاسیه دولتنه شان
از هم کسبخت و در مقابل حالات دشمنان تها مانده محظوظ و ذایل
شده رفتند بلکه کار غافق و بدینی بین دول اسلامیه بجانی منجر
شده بود که بعوض آن که در ریار مهاجمات دشمنان خود متعدد
و متفاوت قیام و اقدام نمایند ، بلکه هر یک برای ازین بودن همسایه
وهم مذعوب خود را با دول خارجی هدل و همدست میگردیدند
بهین مناسبت بود که دول معظم اولیا نقشه تقسیم دول سلطنه
اسلامی ا در میان خود طرح می نمودند و از هر طرف طوفان
بعضی و بلایهای عظیمه بر سر آنها می آوردند و در نیجه قسمت

بسم الله الرحمن الرحيم

▶ امضای معاهده دولتین افغان و ایران
زمانیکه مسلمانان یکدیگر بجهت بودند در کنتر ازبک قرن
لوای اسلام از بحر ظلمات نایخرا عیط کبیر بر حصة سخنه معموره
علم در اهتزاز آمد ، و اطراف جهان را بتورمدیت روشن ساخته
عدال و مساوات و حریت را احیا کرده در سائر ملل و همداد
بن امیاز ریک و حضرت ترویج دادند . آداب و احلاق را نهذب
نموده نجاح را و فلاح عقبای علوم علم بشریت را بوضع نوایس
معقوله نادله و نشر علوم و آداب فاضله نایین کردند و شرق و غرب
دیوار ایلک کوب سیاست خود کردندیه سیادت و حاکمیت مطاقه
برای نوع انسان حاضر و تهیه نمودند که تواریخ اجانب ازین
داستانای تهن بسی سارکار نداشتند .

محمد معتقدین بن میمن اسلام را با سارت ورقن پیوان صلب کو فشار نمودند و نیروی اسلام ضعیف شده آثار عظمت مسلمین عوکر کردند گال اسلامیه بیکی باد دیگری در ملک مستعمرات کفار در آمد و خورشید علم و هنر از آفاق مشرقی، غرب بکرد تاریکی جهله و نقق محیط آسیا یا مردم اسلامیت دارا کرفت. مسلمانان از جاده رقی و تعالی منحرف کردند سی قهران داشتند غمودند ناکار مجاهی رسید که اصر و ز هم می یعنی وحشتنوم از انجما که از روی ناموس طبیعت و فطرت هستی را صبحی و هر خزانی را بازی، و هر وحی را حضیضی، و هر عاق را بدی در عقب است، این دوره مذلت و محنت وابن شب یلدی ضفت و ذات می ایستی با نجات رسد. اینک در آستانه پیره رنک جهان اسلام رقهای در خشنده را مینکرم جستن نموده بیان فرن محبت و آغاز عهد سعادت را بهانوید میدهد

اوین حرکتیک در جامعه اسلامیه اظمار دوستان و توجه دشمنان را خود بخیل نمود از طرف دولت علیه افغانستان بود که حلقه اسارت را از کردن خود خارج نموده خود را از زبر سایه حیات دشمن کشید دوم نهضتیک دشمن طیج و بالک خود را بازی تو ای کوشانی داد. دولت اقره می باشد. استقلال افغانستان و قوت حاتم متولیه سری و سیاسی زکان و معاهده افغان با ایران، عزیز می از علام و آثار نهضت طلم اسلام و بیداری مسلمانان است

اینک ازیاد کارهای دوره ترق و تسلی "نانوی اسلام" امعناء معاهده دوستی و افقاء، دولت علیین افغانستان و ایران است که روز جمهور (۱۵) بر سبله در مسجد جامع عید کاه بعداز ادای غاز جمه بحضور جمهور اهلی کابل و نشنه های اسلامی (اعلیحضرت اعلیحضرت مادیات المجاهد فی نیل الله) امیر اسان افجه ایده الله) اضافاشد.

درین میتوان: علوم اهلی کابل و نواحی آن جهت ای ای ناز جامعه مسجد موصوف، حاضر شده بودند بعداز ادای عزیز جمه اعلیحضرت خارجیه عهندامرا برای استحضار خاطر تان میخواند و بعد این حزوی عرض نموده ن را امضا کنم بعد بالقدر (جلیلنا آب حضرت عالی قا، محمد ولیخان وزیر امور خارجه افغانستان سواد مقام دهندا نزدیک ذیلاً مندرج است تمام از اول تا آخر بتصدیقی بیانند در کار رشادت و طلاق فراغت فرمودند

ای قدم عنز من میخواهم شهادا مستحضر سازم از مشتمل که اصر و ز بحضور تان اظهار و اجرای می باشد اصر و ز عهندامه مودت را خوت دولت علیه افغانی، بادولت یک برادر هنرخواج و داد (ایران) امعناء نمود اصر و ز مکروز بسیار مسعودی است رای قدم اسلام علی الحسوس برای ملت شمع افسار که

با امضای یک چنین عهندامه دوستی ویکار کی موفق شده ایم. من قمام ایران را همچو جان و پادشاه تن را مثل نور همده خود میندام. آنها و از ایها مانند برادران حقیق و دوستار صبیعی بوده و هستند ولی مناسفانه بیار سوه تصادقات و زمان در ازیز از یکدیگر جدا و روابط شان از هم سوا بود، و مین جدای و قدان روابط رادری مین دول اسلامی جامعه اسلامیها ضعیف و مشرف به پر نگاه، فنا ساخت. و قیک در اسپی این مباعدت و دوری کامل نه اینم می یعنی که

هرچه هست از قات کماز بی آنام ماست ورن تشریف تو بمالی گئی کونا، میست

ظاهر می پیازنما دشمنان خود لطف می کند آیا هم این است که نظر اتفاق اوها دوستان نباشد؟ اینک اسرور میشونیم و می یعنی هم از سهو و غفلت ما و شما است که از اتفاق و محبت و اتحاد والفت ما برادران دیگر و صیغه خود دور مانده ایم اما خدارا شکر سکنارم که اسرور اسباب و موالع دوری ودو رنکی ازین رقه برادران مسلمان یا یکدیگر دست اخحاد و افق داده در تشید واستحکام مبانی اسلام می کوشند وبار های های شکر می کنم که خداوند در موقعی مرا بسلطت رساید که معاهدات برادرانه مادول اسلامیه رکو ایران را امضای کم. بادولت رک و ایران بسر و جان استاده ایم.

معاملات ما با آنها فقط عددود و میعادنده نیست بلکه در هر زمان (خداآن غم) را از سر عالم اسلام دور داشته باشد) بدر و جان حاضر هستم.

محلت ایران عرض می کنم :

جف است نصیب دشمنان کوم درد تو نصیب دشمنان مادا

ما حاضر هستم هر کو که تکلیف ایران را بسر و جان و دارم حالا و زیر صاحب امور خارجیه عهندامرا برای استحضار خاطر تان میخواند و بعد این حزوی عرض نموده ن را امضا کنم بعد بالقدر (جلیلنا آب حضرت عالی قا، محمد ولیخان وزیر امور خارجه افغانستان سواد مقام دهندا نزدیک ذیلاً مندرج است تمام از اول تا آخر بتصدیقی بیانند در کار رشادت و طلاق فراغت فرمودند

بیهار از حم فراغت عهندامه، اعلیحضرت فرمودند: شوق مدد جل و علا، بزرگ و حابت حضرت خاتم انبیاء (صلی الله علیه وسلم) این عهندامه را امضای میکنم و دادایم کنم که الهی ماساله ای در از مقام، همچو عهندامه های ستر و خوبیت این عهندامه، جدیج، وی فای می باشد موفق شویم

کندارده با آقای سفیر خنوار دادند. بعد حضور شاهزاده لوای ایرانی و آقای سفیرلوای افغانی را بدوسخ خودها نداخته حسیان اخوت و صمیمیت دولتین را به انتظار حاضرین تجسم دادند و مجلس را بدعا های سعادت و ترق اسلام ختم نمودند.

(امان افغان)

بدینی است که برای جلو کیمی از تجاوزات حریصانه امیریالت های اروپا همچو سدی محکم ترا اتحاد اسلامی یافت نمی شود. اتحاد اسلامی است که می تواند عظمت و شوک از دست رفته مسلمین را بجای خود باز آورده دشمنان خارجی را که بمالک اسلامی تحملی و تجاوز نموده اند بمحمل خود برگرداند دول مهمه اسلامیه افغان و ایران و عثمانی و ترکستان وغیره هم بسکدیکر متصل و مجاور اند و هر کاه از این موقعیت استفاده نموده و بحمل المثنی اتحاد و اتفاق معنوی و مادی متم می کردیده روز بروز در ادامه و اعمال ایجادیات آن مجده ایه اقدام غایبند چندی تجواده کدشت که نه تنها عالم اسلام بلکه کایه ملل مشرق را از بند رفیت و اسارت نجات داده رشدوقوه اجتماعی خود را ثابت واجنی مهاجم را برعایت احترام و استقلال خوبیش الزام خواهند نمود.

در خانه سلطان اسلام و مسلمانان راعوما و برادران افغانی و ایرانی خود را خصوصاً اعضای معاهده دولتین علیین افغان و ایران که راستحکام مبانی محبت ویکانی کی آن دو دولت هم کیش می افزاید تبریک و تهنیت بخ کویم و از خداوند تو ای روز بروز امثال همچو ایام مدت و اتحاد و اتفاق عالم اسلام را نیاز مینهایم

- (عهد نامه دولتین علیین علیین علیین علیین) -
(افغانستان و ایران)

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ (ص)

واعتصموا بحبل الله جبماً ولا تفرقوا

چون جمهور اسلامیه و روابط نزدیک و علائق حسن جاورت و عساکری دولتین ایران و افغانستان اقتضا داشت که مسادات حسن و روابط دولتیه بین دولتین بوسیله اتفاق

یک عهد نامه مستحکم کردد. لهذا برای اجرای این مقصود مقدس اعلیحضرت شهنشاه ایران. جناب حاجی میرزا حسن خان عتشم السلطنه وزیر امور خارجه. و اعلیحضرت امیر افغانستان. جناب سردار عبدالعزیز خان وزیر خنوار وایاچی معتمد خود را وکلای خنوار خود تعین فرموده. و مشارکهای بین

و بخداوند خود التجا و آرزو دارم و عملت خوبیش نوییه می نایم که تابیک فردی از ملت افغان زنده باشد این عهد نامه را مقدس نهاد و به عموم علم اسلام حسیان مکملی و محبت و اتفاق فصیب کند. (درین وقت حضور شاهانه قلرا کفره فرمودند) من شام نایم ملت افغان وستویق خداوند امضا میکنم. عهندامرا امضا فرمودند. و از طرف هموم صدای تبریک و از ازهاری تصفیق علی التوالی بلند کشت.

درین وقت عالیقدر جلالات مآب آقای اعتمادالملک سفیر خنوار دولت علیه ایران که بعیت معاون شان آقای رفیع الملک بالباس رسمی بیانی مفترستاده بودند نطق آنی را ایراد فرمودند:

(نطق آقای اعتمادالملک)

اعلیحضرت شهربارا!

اکرچه اصول عقاید این بنده همان است که کراز اذات شاهانه هم هان عقیده بنده را ابراز داشته و فرموده اند که عهندامه مایین دو دولت اسلامی هان کتاب ایمانی آنها یعنی قرآن مجید و تشریف است البته همین طور است زیرا اکر مقصود از اتفاق عهندامه از دیگر دولت مایین دو دولت باشد قرآن کریم عقد اخوت مارا که هزاران مرتبه مقام آن از دولتی بالاز است در پایه عرش المی تثیت گرده است ولی نظر بانک موافق عاملات ما با آنها فقط عددود و میعادنده نیست بلکه در هر زمان (خداآن غم) را از سر عالم اسلام دور داشته باشد) بدر و جان حاضر هستم.

محلت ایران عرض می کنم :

جف است نصیب دشمنان کوم درد تو نصیب دشمنان مادا

ما حاضر هستم هر کو که تکلیف ایران را بسر و جان و دارم حالا و زیر صاحب امور خارجیه عهندامرا برای استحضار خاطر تان میخواند و بعد این حزوی عرض نموده ن را امضا کنم بعد بالقدر (جلیلنا آب حضرت عالی قا، محمد ولیخان وزیر امور خارجه افغانستان سواد مقام دهندا نزدیک ذیلاً مندرج است تمام از اول تا آخر بتصدیقی بیانند در کار رشادت و طلاق فراغت فرمودند

بیهار از حم فراغت عهندامه، اعلیحضرت فرمودند: شوق مدد جل و علا، بزرگ و حابت حضرت خاتم انبیاء (صلی الله علیه وسلم) این عهندامه را امضای میکنم و دادایم کنم که الهی ماساله ای در از مقام، همچو عهندامه های ستر و خوبیت این عهندامه، جدیج، وی فای می باشد موفق شویم

کذا را دخواهد شد.

از مبادله اختیار نامه های رسمی خود فصول ذیل را منعقد نمودند.

فصل اول — از اصرور به بعد دوستی صادقانه و مناسبات حسنی فیاضن ایران و افغانستان و اتباع دولتین مزبور تسلیم برقرار خواهد بود.

فصل دوم — سفرای کبار وزرای مختار و شارز و افسران های همیک از دولتین معظمین متعاهدتین در دربار یکدیگر از کلیه حقوق و امتیازات که بوجوب عادات و رسوم یعنی الملل معمول و مقرر شده است بهر مدن خواهد بود.

فصل سوم — اتباع دولتین معظمین متعاهدتین خواه در

موقع مسافرت و خواه در موقع اقامت مورد احترام واقع شده و کاملآ در حیات مامورین دولت متبوءه خودشان خواهند بود.

فصل چهارم — اتباع دولتین متعاهدتین مقیم یا مسافر در ممالک همیک را بمحکمیت رجوع نمایند و نیز متعهد می شوند

که از روی صمیمیت کامل احکام صادره را بوقوع اجر اگذارند

فصل پنجم — این عهد نامه تحسین یافت باز پارسی

نوشته می شود —

فصل دوازدهم — نمایند کان طرفین متعاهدتین متعهد می شوند که در مدت سه ماه از تاریخ امضاه یاد رصویر امکان زود تراستاد لازمه دایر تصدیق عهد نامه را در طهران یا کابله مبادله نمایند.

بناء علیهذا نمایند کان طرفین متعاهدتین این عهد نامه را

امضا و مهر نمودند. طهران بنا تاریخ ۱۵ شهر شوال المکرم

سنه ۱۳۲۹ مطابق اول سرطان ۱۳۰۰

(محل امضاه — وزیر خاجه دولت علیه ایران محتمل السلطنه)

(عبد العزیز سفیر دولت علیه افغانستان)

— (فصول الحاقیه) —

فصل اول — مقصود از عبارت فصل سوم این عهد نامه

(اتباع دولتین معظمین متعاهدتین خواه در موقع مسافرت خواه در موقع اقامت مورد احترام واقع شده کاملآ در حیات مامورین

دولت متبوءه خودشان خواهند بود) اینست که مامورین دولت

متبوءه میتوانند در حدود قوانین بخاریه مملکت متوقف فیها

پاسماجه مامورین مملکت مزبوره تسهیلاتی رای اتباع خود

شان فراهم نمایند.

فصل دوم — طوایف و ایلانی که سابقآ از افغانستان باز

آمدند از اعم از بزرگ و غیره کاف سابق تبعه ایران می باشند

بزرگی های که قصد مسافرت بخاک افغانستان را داشته باشند

بدون اینکه تذاکر خود را بامضای مامورین افغانستان مقبیله

ایران برستانند حق و وفاد بخاک افغانستان خواهند داشت از

بخاری طرفین متعاهدتین عهود و قراردادهای لازمه راجع به مناسبات بخاری و رسومات کمرک و مبادلات پستی و تلکراف

با سرع اوقات ترتیب داده و پس از امضا و تصدیق بوقوع اجرا

(قابل تووجه برادران اسلامی)

(لوازم ادمیت)

اول — باید آدم از هر قسم بدی اجتناب کند. هر کس بدیگری بد کند او آدم نیست. و از درجه انسانیت خارج است. حضرت رسول اکرم صل الله علیه وسلم میرفرازی (افضل المؤمنین من سلم المسلمون من بد و لسانه) پس معلوم شد کسیکه بادد دیقی او از دست وزبانش آسوده نباشد درین مسلمانان بدتر کسی است.

دوم — باید آدم نیک نفس و خیر اندیش باشد و هر قدر بشواند مصدر خیر بشود، میرفرازی صل الله علیه وسلم [احسن کا احسن اهه الیک ان الله يحب الحسین] اکثر آئینه دسترس داشتند علاوه از شکه مصدر خیر بشوی دیگر لازم نیست که مصدر شر بشوی و منع از خیر بخانی [منع للخیث معتدائم] سوم — آدم باید منکر ظلم باشد، ظلم خرب دین و دنیا است [الملک بحق مع الكفر ولا يحق مع الظلم] چهارم — آدم بحکم عقل و بحکم طبیعت باید با آدمیان متفق باشد، اتفاق قلمه عدل را حارس و حافظ است هر کس خود را از اتفاق خارج بسازد بیک دیوانه می ماند که قلمه و شیر خود را خراب و لشکر ظلم را دعوت بخانه خود بغايد [من اعانت ظالم سلطه الله علیه]

پنجم — آدم باید طالب علم باشد، هر کس طالب علم نیست یک تکری می ماند که طالب یقانی نباشد [اطلبوا العلم ولو كان بالصين]

نه الحمد والحمد بادشاهان زمان ما که از پدر مهران و مشق ترند در صدد جمع آوری زر و وزبور نیستند بلکه تمام افکار شان بسوی ترقی قوم و ملت و دین خودشان است اهلیحضرت خانزی (امیر امان لله خان) خواهه ملکه، صدها مکتب از برای رهاییدن ملت خود از ظلمت جهل و نادانی کشوده اند امید بعد ازین [هم مفتی که دشمنان دین مارا خواب کردند و آتش خاق را در میان ما افروختند و اسلام رو باخطاط رفتند بود) مسلمانان از سه و کوشش بادشاهان متفق اسلامیه دو مرتبه بدرجات طالبه اولیه رسیده و دشمنان دین را کاف سابق سلطان احمد شاه قاجار شاهنشاه کل ممالک خود را ایران پوشاند و کلای خنوار دولتین معظمین شواریخ هنده دهندز جهه اش انصاریه یافته تصدیق نموده اجرای بلا تغیر آزاده میهیام. فصل و سه سنه ۱۳۰۲ مطابق ۱۴۰۵ عمر الحرام

طوایف سرحد لشین که در خاک دولتین بخلاف و قشلاق بغايد در مدت توقف در خاک ایران پانها معامله تبعه ایران و در مدت توقف در افغانستان معامله تبعه افغانستان خواهد شد.

افرادیکه از افغانستان قبل از تأسیس سفارت دولت افغانستان در طهران باز امده و سکنی اختیار کرده اند کا في السابق تبعه ایران می باشند. تجارتی آه فقط برای معاملات نمایند. تجارتی از افغانستان باز ایران مسافرت نموده و در ایران اقامت را اینکه اختیار نکرده اند و نیز بوجوب اسناد محقق است آه در دوایر رسمی ایران با آنها معامله تبعه ایران نشده است تبعه افغانستان شناخته خواهد شد.

فصل سوم — همچنین طوایف و ایلانی که سابقآ از ایران باقی رفته اند کاف سابق تبعه دولت متوقف فیها افغانستان رفته اند که تجارتی اینکه تذاکر خود را بامضای مامورین ایران برآورد حق و رود خاک ایران را خواهند داشت چنانکه همین زنیب لطیف آ مطابق فصل دوم الحاق لبت بکلیه طوایف و ایلانیکه سابقآ از افغانستان باز امده اند و در افغانستان اقامت از افغانستان باز ایران مسافرت نموده اند و در افغانستان رفته اند که تذاکر خود را بامضای مامورین ایران را اینکه اختیار نکرده اند و نیز بوجوب اسناد محقق است آه در دوایر رسمی افغانستان با آنها معامله تبعه افغانستان نشده است تبعه ایران شناخته خواهد شد.

عمل امضاء

وزیر امور خارجه دولت علیه افغانستان آقای زرزال محمد ولیخان آقای نصراحت اعتماده الملك وزیر خنوار وایلانی مخصوص اعلیحضرت ایران در کابل

(باسمه سبحانه)

عبدالله — الجاحد فی سبیل الله — امیر امان اللہ بادشاه دولت علیه افغانستان ابن عهد نامه موافقت را که مركب از دوازده فصل و سه فضول الحاقیه میباشد فیاضن ما و اهلیحضرت سلطان احمد شاه قاجار شاهنشاه کل ممالک خود را ایران پوشاند و کلای خنوار دولتین معظمین شواریخ هنده دهندز جهه اش انصاریه یافته تصدیق نموده اجرای بلا تغیر آزاده میهیام.

اعلیحضرت فائزی امیر امان اهه لشیعه همین قسم رزحت کشیده همین قسمی که سراج افغانستان یک مرتبه بدست امیر فائزی بلند شد و چشم اسلام را روشن کردند همین قسم ملت افغانستان بسی و کوشش شاهانه بمقامات عالیه خواهد رسید —

عمل امضاء

اعلیحضرت فائزی امیر امان اهه

(شماره ۱۵ و ۱۶ و ۱۷)

(سال چهارم)

جنبه (۷)

رسوی خوری و خود پسندی را خیالت داشته فرموده را
بمقامات طالی رساییده و نام بیک خود را تا ابد الابد در صفحه
روز کار باقی کذاشتند.

[اطیبو الله و اطیبو الرسول و اولو الامر نشکم] بعد ازین
که افرار بخدا و رسول و کتاب او غرورند بعن آیه بیار که
دانستند که بدون اولی الامر یعنی پادشاهی کار پیش نمی روید
لهماماً تعطیل بیک قدر پادشاه شده نایبک رئیسه افاق قومی
از میان زودهنلا ملاحظه کنید اگر کسی کوپندی را جوان
پیشنهاد آیا خواهد توالت آن که خود بخود بخورد ^۲ عال است
پادشاه لبست بریت بعزم ^۳ سرازرن است هر کاه سرنشاشد تن را
زندگانی عال است —

امام جعفر صادق رضی الفغمه میرمایند یامعشر المسلمين
لانلو رقباکم برق طاعة سلطانکم لان السلطان العادل بعزم
الوالد الرحيم قاحبواه ماتخون لاضکم واکر هواله ماتکرون
لااضکم فان کان عادلاً قاسملوا الله اقامه وان کان ظالمًا فاسملوا الله
اصلاحه لان صلاحکم فصلاح سلطانکم — یعنی میرمایند که تردن
متاید از اطاعت غومن پادشاه خود بواسطه اینکه پادشاه عادل
بعزم ^۴ پدر سهرمان است پس دوستدارید از برای او چیزی
را که از برای خود دوستدارید و پسندید برای او چیزی را
که برای خود یعنی پسندید اگر پادشاه شما عادل باشد پس از
خداآوند عالم مسئلت اخای او را کنید واکر ظالمی پاشدیں
از خداوند در خساست اصلاح او را کنید که اصلاح او در
حبقت اصلاح و درستی وزاستی رعیت و عملک است — اگر
دولت ضیف باشد حکماً ملت هم ضیف خواهد شد —

امروز برجیع ما اهل اسلام خصوصاً افغانستان واجب و
لازم است که در اوقات پنج کاه از برای پادشاه جوان بخت
خود دعا کنیم که خداوند علی اعلی بصر و هنرها بیفزاید و
نیز وختن برقرار باشد و دشمنان او خوار و ضیف کردد
بالی واله و احیاء اجاد — سید محمد حراق

لتحواده خلیل

راجع به سیر اعلیحضرت در سمت شالی
روز شنبه حضور شاهانه بسمت مذکور تشریف برندند —
روز مذکور در کوههان و پیشان کار و زیارت کوههستان سید
نمودند . در کوههان بعض مردم از حاکم آنجاشکایت جزوی
اظهار نمودند . در زیارت کوههستان نیز لیست به شمس الدین خان
حاکم آنجا اظهار عدم رضایت حدود معلوم کردیده حاکم موقوف

در بیک مکان جم غودیم روشنائی زیاد خواهد داد و هم چنان
ملت و قوم اکرم آینه لزهم متفرق شدند باعث ضعف قوم
وقوه دشمنان است .

روایت است که [بد الله من الجماع] یعنی دست خدا و
قوه و قدرت الله هیچ جماعت است همین که آن جماعه از هم متفرق
شدند رحت خدا از سر آن جماعه برداشته بیشود و نفس اماده
وشهوات ولذات غالب شده بسته را از حق دور می کنند .

در حال صرف آن حضرت صل الله علیه وسلم اهل کفر
علم خوبی را برها غورند که مقصد شان بعد از وقت رسالت
پیشی برآورده خواهد شد و در میان اسلام تفرقه افتاده اسلام
ذلیل خواهد شد از جماعت بود که اسلام رفی کرد واز زمان
خود حضرت هم بحق شد از بیک جمهی چهار یار کبار رضی
الله تعالی علیهم اجمعین بود اکرم آینه آنها باعهد کرد و بین
میکردند و هر کس اصر حلافت را برای خود خواستار میشد
اصلا در ان زمان نیز از اسلام باقی نمی ماند چون صحابه یکدل
شهده چهار دسته علم اسلام را کرکنده اسلام حکم شد و بازدازه
نقی کرد که بعد زمان خلافت حضرت عمر رضی الله تعالی عن
هزار ها منبر و عرباب برها شد .

جه شده است ما مسلمانها را مکر قران و کتاب مانجدل
شده ^۵ جمی ا

تمامی از غافق خانکی است ، از بیه علی است همان
هایبک جزءده اسلام بودند اکنون اسلام را زیر دست کرده
علوم اسلامیها را بودند و همچنان معدن تمدن شده اند هر آینه
اگر ما جشم از خواب غفلت بکاشم خواهیم فهمید که تمدن
و معدن علوم تزد خود مان می باشد و آن قرآن است که حضرت
حق سمعان و تعالی میرماید [ولا رطب ولا بس الا في كتاب
میهن] هیچ روخشکی نیست مکر در کتاب ماهست ، و ماغافل
فرعی است از فروع آن ذات مقدس — پس از اینکه معلوم شد
ونتحقیق کردید که ایان شب و ازان بر قدر هرگاه از
اهل مک بلک تمام عالم مسلم — ای تاویتیک قطع تسلیل در عالم
لشده داخل شد —

پس معلوم شد نور محمدی اصل ایان است و هرچه مسلمان
در عالم ای از این و شیعه و مذعی که ادعای اسلام می کنند
فرعی است از فروع آن ذات مقدس — پس از اینکه معلوم شد
ونتحقیق کردید که ایان شب و ازان بر قدر هرگاه از
شجره نبوت میسد لهذا در عالم ظهیره این کردید که اسوه و
برادری بکنند و دوری و پیادعت از بیک دیگر نمایند —
زیرا که تباعد و دوری باعث حجاب و اقطاع نور ایان میشود
از اصل مبدأ —

روایت است از حضرت صل الله علیه وسلم که عداوت و بغض
با مسلمانان . عداوت است با این وعداوت با این اقطاع است از نور
حق فرقه ای از سبب ضفت روشنی میشود هنلا که چند جراغ دارد
یکجا همایش . آنها را که متفرق ساخته بیشود هنلا که میشود و اتفاق
و اجماع نوار سبب قوه نیز اس مثلا اگر چه انتها متفرق فرا

تمام مسبوق هستیم و میدانیم که آنچه مسلمان است در آسیا و
یورپ و افریقا و استرالیا تماً . قانون مایکی است بجه شده است
که نفره دزماین افتاده است لازم نیست ، تمام اسلام حافظ
قرآن ماشند — اکرم هر آینه دوسره آیت را پیروی کنید و مربوط
بمحاج اولی بر کشت خواهیم کرد —

میرمایند حضرت حق در فرقان محمدی که [اما المدحون
اخوة] یعنی انسانیکه بخدا و رسول ایمان آورده اند کاهه باهم
دیگر برادر هستند — اول بیان میکند واقع نفس الامر را که
حکم تکوئی می باشد همان نفس الامر و حکم تکوئی علی حکم
اول تشریی است و آن این است اهل اسلام باید باشند دیگر
برادری و اخوة بکنند هر چند برادر صلی پیشند ذیرا که در
واقع نفس الامر و در عالم واقع باهم برادر هستند و سر برادری
ایلامی کوی بیدم ما کاک امیت و استراحت وارد کامل شدم ،
البته کسی که انسان پاشرمی فرمد که در هر جا و هر مکان و هر راه
و هر چن کل و خار خوب و زشت را از پرای فاصله دشدن و قدر
شناشی خوب ازید حضرت حق جل علی شاهه ، هردو راهنم
نیز امان خلق فرموده کافر خونان را بدانم و این خصوصیت
 بشهری یا کوی ندارد .

اهل اسلام باید باشند دیگر برادری بکنند تا دشمنان دین
میین منکوب کردند و قیچیکه ملاحظه کنند در عدهای مددی
که بواسطه اغراض مفسدای دشمنان دین میین جبل محبت و
مؤدب هاین دولت افغانستان و ایران کسته شده بود کدام
سدمه بود که بطریقین وارد نیامد لله الحمد و اللہ در این الام
که رئیسه اتفاق ماین دول اسلامیه دولت علیه افغانستان و ایران
وعنای مسحکم شد چقدر افکار دشمنان دین رو پیغراه
کذاشتند رفت چون خیال کردند که اصل آن قرآن و کتاب
مارا از دست کردند که بقدم مارا خانه نشین بکنند —

جرانی را که ازد بر فروزد
هر آن کس پیش کنند ریشتن بسوزد
الله که عود مسلمانان از خواب غفلت چشم کشودند
و ملتفت شدند چونه ملتفت شود و پیشان ازین خواب نکردند
پاک از زن که کفر داخل خاک مک معظمه و اماکن شرفة دیگر
پیش بقداد شیریف و نجف اشرف و کرمایی معل وغیره پیشود
هنر خواب ناشنید همکن پیش بیمام روانه کردن لازم است حارا
دشمن آتش پرست پاد بیان را بکوی
خاک بمر کن که آب رفته باز آمد بخوبی
الشام که امید است که موقع خواب از ما دور شده و
نمود زین دست رد اجانب نخواهم شد ایها الاسلام عالم و جاهم

کردید . در اینجا بعض طلبه مکتب اشتر کوام حضور شاهانه عرض نمودند که امسال نحصیلات ابتدائی مان غام می شود از این بهدجه اصرارت ؟ حضور والا فرمودند اشخاصیک بعد از امام موثر سردم را وداع خود را رسماً بفمان کردیدند .

تحصیل حواهش خوبیں های داشتند و میتوانند از آنها برخوردار نمودند
الراج تحصیل کنند و آنها بکه تحصیل پیشتر اراده ندارند
هر کاه حواهش خدمت و لیافت خدمت را دارا بودند بخدمت مقرر
می شوند والا بخانه های خود بوده په زراعت و صنعت و حرفت
که آنها ناشنیدند مشغول به محابیه نبودند

رسانی از این متن در سایر مکانات این دستورالعمل را برخواهد که در آن مذکور شده است.

در عمره کشته نشر شده است در آن روز بعضی صردم از قاضی آنجاشکایت کردند قاضی از حکومت توفیق واقف خواهان مأمور محاکمه کردند.

روز سه شنبه محدود شوخي تشریف برند صدم آن نواحی
و اعالي مجراب در انجا حاضر بودند و بايدر مهرمان و پادشاه رعيت
رور حويش ملاقات نموده مطالب و مقاصد پيک دلها بود

اطهار شد . روز چهار شبی بطرف غوربند رفتند در انجام مثل دیکر جاها با عموم سردم ملاقات و احوال بررسی و اظهار منکرات و حالت

روز بیشنبه در ارک جیل المراج دربار عمومی اجرا
باft حضور شاهان از حاکم کلان اظهار رضایت نمودند و ماعطای
نشان استور و حکومت اعلای سمت مشرق اورا و عده دادند
درین موقع بعض شاگردان مکاب آن سمت کا حاضر نمودند
مقابل حضور شاهان اراد فرمودند و خواستند

حضور والا فرمودند که من شمارا عینا مثل فرزند خود میدام و بسیار آرزو دارم که بشما احسان‌ها و ابراز صرفت‌ها کنم ولی فعلًا در حق شما نسبت به اینکه مکانت رایی‌تان ساخته شدند

ودران کسب کال می نماید یزد نقو احسانه بست البه بسدازان
که اکال محصلات نموده قدم بیدان خدمت کذا نقید احسانات
وامبشارات پسیار را مائل می نماید و زیر فرمودند: نه من
نمی توان امر از فرماندهی این امور فراموش نمایم

مکافات حسن خدمت
جنابکه جناب والی صاحب بی محل (جاغووی)
قشیش رفته اند و (س) آقای عبدالجید خان مامور

جاغوری را نظر به حسن خدمائش و رضامندی
به او باعطای خلعت و اظهار خوشنودی از او بعطف
سے فرار عودہ آمد.

دستگیری بک جامعه سارقین

مم اسپ بود فوق و اب قزل سرخون مصطفی خان شا کرد
مکتب حربه و اب کرمک شیرعلی خان نام را آمد.

(شب دوشنبه ۱۴ آذر)

شب کذشته در حفنه تمثیل نیاز خواب و بیداری در سه برده از طرف اعضای وزارت معارف پیغام نماینده، آمد و این نویم بیک نیاز اخلاقی است که اوضاع جانی حکمرانی حکم و عمال زمان سابق و مامورین تربیت باشه حاضر را لشان میه هد که مقدم الف که در اوقات شبار و وزی را غالباً به خواب و سه جوار ساعت بیداری را به لهو و لعب مثل شترنج و ششیدن سار و خوردن طعام و غیره تقدیمه شده به کارهای مامورین زیردست و تنظیم رایا سهی بیک دفعه هم نیی بردازند و بینها خبروز بدرهار شان صبح آورده و شام پس بوده میتواند و با وجود بی سوادی بر اصحاب سواد و افکار و نیشن تنبیه و ناظههار مدت میگذرد. و علی الرغم این طبقه اولاد جود را حامل

آذانه بعکس نمی فرستند — مامورین حضر بر عکس صحیح وقت پیدار شده اولاد خود را هم بیدار کرده نماز میخواهند و باعث میگیرند به اداره رسیمه رسمی روزه حاضر شده بقرار نظام امنیت اداره خود باجرای امور مشغول میشوند و از معارف و مکتب ها مدح و تقدیر میگیرند . اولاد خود را تحصیل علیم و حب وطن و فدا کاری خدمت ملت توصیه می نمایند —

پیش از آنکه عملیات و نایابی ها را برای این مرض اجرا کردند
جناب آقای علی محمد خان رئیس عمومی ندریبات وزارت معارف
مخصوص وجود غوده علی و غرض این نایابیها را آن وزارت
معارف رای چه ارائه می نماید ، در کمال فضاحت و سلاست
خبلی ، فضیل خاطر نشان عموم نمود و از جمهور آرزو کردند
که این نیاز هارا بعضی از جنبه نکات و حصه های فکاهی آن
تلقی نمکنند بلکه تبیجه و موضوع آن را بانتظار دقت لرزیدم ولد
غور و مطالعه فرموده از آثار و ایجادیات آن قبول از نایابی نمایند .
حق فیلان (خواب و میداری) خبلی موز بود خصوصاً

بِرَأْيِ اَصْبَحِ
وَرَدَهُ مِيدَان

مقابس مبالغه تعین شده بود . از هر نوع حیوان سه هشت
سنوبت دوازده شد اول اسپا و بعد فیلها و بعد خرها ، و در
آخر همان سه اسب که درسه هشت اون آمده بود دوازده شدند
هرچهار ان که هر هشت اول و دوم و سوم آمده بود مالکش العام
مقرر را کرده است .

در هفته ایستاده اند و دوانی اعلای اعلای اسیه بود صرخون
بیاز عجود خواه تولپنتر که ۱۰۰۰ رویه تمام گرفت و درجه اول

از قرار اطلاعات صحیح و اطمینان موقوفه (ع.ص) جناب مستوفی صاحب ولایت کابل که در این ایام هیئت والی ساحب جله امور ولایت کابل را ایضاً منع نمایند. در منتهی فعالیت و برگشت سر کرم کار پوده عموم دوازه رسیده ازاوشان اطمینان داشتند. در مسئله دستکبری امنیت و سارقین بجهودات نامه شان نامه ظاهر است. جانچه بسیاری از یسته بیل اشخاص را آگرفتار نموده اند در این دو سه روز به تعقیب بیک جماده زرگ سارقین خود شان باشکن فولی نظامی برآمد. هنکام مقابله در بین فیرهای قنک هم شده (۱۲) خرا آنها را دستکبری نموده اند.

از رجه جناب مستوفی صاحب مستقی از وصیف و محین
می باشند و خدمات طالیه شان در امور مالیه بعموم معلوم است
ولی از روی حسیات وطنخواهی ضبط نشوند مسامع و جافت شان
های شان را قدر و محین می کنیم و توفیقات زیاد رای شان
مسئلات می باشند .

شهر بکنفر شر المخواز

غلام حیدر نام پسر محمد قاسم خالدسا کن فلسفه حیدر خان
اندر ای کابل که در قول اردو مأمور خربزاری چو بود شراب
نوشیده است ، چند هزار اشخاص ته بمحکمه شیر عده شهادت داده
شر اخوری او بازیات رسید لهذا حسب احکام شریعت مطهره
اسلامیه و قانون جزایه اولا در شهر تشهید و بعد (۷۹) دره
حدزاده شد و (۷۹۰) رویه جرم مخوبان نمود .

گزارشات جشن

مسابقه دواندن حیوانات
روز یکشنبه بعداز عصر مسابقه دواندن حیوانات اسب
وفیل و خر ، در میدان اسب دوانی بعمل آمد برای اسب
دوانی سه دوره میدان و برای دیگر حیوانات یک دوره میدان
مقابس مسابقه تعیین شده بود . از هر نوع حیوان سه هیئت
سوبهت دوانده شد اول اسپا و سه فیلها و بعد خرها ، و دل
آخر ها را که درسه هیئت اوزآمده بود دوانده شدند
هرچند ان که هر هیئت اول و دوم و سوم آمده بود مالکش العام
مقرر را کرده است .

روزه سوم ان . شطرانج های عسکری 
روز دو شنبه (۱۴) اسد . ساعت (۲) ظهر همه پنجم
طرف میدان اسب دوانی بزم ملاحظه شطرانج های عسکری که
در رو فرام وعده داده شده بود بحرکت آمدند . از افراد

مسکری که رای ارائه بعض حرکات و عملیات مربوط به لایک
جقی حاضر میدان شده بود قطعه از شاکردان پیاده و سواره
دستب حربیه و قطعه از رساله شاهی و بعض رساله های دیگر بود

یک غیر محاذی دوار استاده دیگری بشانه او بالا شده سوی از مردیوار دست دوی را کرده بالای کشید.

از آن بعد بعض رفقارهای عسکری شان داده وارد میدان روی حاشیه آن که بلند راست خیز زدند و گرت دیگر از حاشیه میدان بداخل آن جستند و جماعت از مردی ریسان که دو غیر بلند کرده بود جستند و دیدند و (بروت) شدند بعد ازان چند حرکات جنابی را بر (متوازی) اجراد شتند و از روی فرازبک پدر قدمو بوضع جتنی های سریع جنابی که جست زدند.

بعد ازان هین چند غیر پریشت اسب های که جلو شانها بی کرده دائزه وار میدوید و پریشت بعضی های خصوص و بعضی از های عرضی که نوع نسمه و بعضی ب زین رعنی بیش و بعضی زین دار بود در عین دیدن اسب پسرعت فوق العاده سوار میشدند و به رنگهای مختلف و طرزهای عجیب فرار و دیگر دیدن زمان پسرعت برق باز پریشت اسبی می شنند. این حرکات شان خیلی حال نوجه حاضرین شده که زنهای تحسین علی التوالی بعمل می آید.

پس از از این قسم سواره از هان سه غرایی که پیاده ها جستند در حال سواری اسپارا جست دادند و چند بار تکرار نمودند و از حاشیه میدان بخود میدان بخششی آن اسپارا را جست دادند. این اجرای تماشات ختم یافت و قطعه مکتب حریه در حال که تراهم آنی را بیک آهنگ ادویه می مراقبند از حضور شاهانه صور نمودند.

﴿ ملاش مکتب حریه ﴾
ملکت آزاد شد غیر ای و مانداران کنید
از برای ان شرف شکر شه افغان کنید

قرات :
خلاف ما جرخ زین
شلیله با اهل زمین
خرس و ناری شه سکنی همان الله ه خان
که برای او سر زد کر جان و دل فرمان کنید

قرات :
کرد شاه شیدل لزیخی خوبی، آزاد ملک
هم شما از سی خوبی آشنویش آمادان کنید
آن گران قیمت سهر ماید کرامی داشتن
کوشش ای افغانیان سی ای وطن داران کنید

تعرض و ندایع مشروح بود بین مردمی که بحضور شاهانه و حواسی شان نشسته بودند توزیع نمودند. حاصل و حلاصه لاخ، مذکوره این است یک اردی دشمن از طرف غرب بجانب کابل می آید که تعبیر ازان به قول اردی غرب میشود. رای جلو پیری از قول اردی غرب یک اردی از کامل حرکت میکند که تعبیر ادان به قول اردی شرق نمیشود. قول اردی غرب یک فرقه خود را بر می دارد) به رباط میدان و نواحی آن فرستاده. قول اردی شرق هم پیش از حرکت خود یک فرقه خود را حرکت داده بشاردار دشمن را در حدود نیمه های قلعه قاضی توقيف نماید. فرقه بشاردار قول اردی غرب مک مفرزة خود را آه نخواهی از مک دندک پیاده یک تولی متالیوز یک تولی سوادی یک تویی کویی و یک بلوک است. حکم صرک است رای تدارک ارزاق و غیره علاقه بضمان و پیشتوت فرستاده است و قیمک قومانان فرقه شرق بواسطه کشاف خود خبر میشود که مک مفرزة دشمن تویی بضمان و پیشتوت را اشغال کرده است رای طرد و دفع او یک مفرزة خود را که اجزای آن هم مثل اجزای مفرزة دشمن است از حدود بهای کشک راه خالداری سوی بضمان و پیشتوت حرکت میدهد. این است که بین این مفرزة غرب و شرق جنک شروع میشود و مانوره عسکری عورت ارجوانات محاربه های دو فرقه بوده است که در لامنه به ترتیبات و مصطلحات حریبه توضیع و تشریح شده است.

بالجمله از ساعت (۳) چند دقیقه کفته بود که یک سوار در عین تاخت از طرف مفرزه غرب به فرقه او آمد و حبور سیدن مفرزة شرق را رسائیده خواهش امداد نمود. بعد چند دقیقه صدای توپ از حاشیه بضمان که بطری کشک است بلند شد و قطعه سواره مفرزه غرب با مفرزه شرق صرگرم جنک کردید آتش پاری مفرزه شرق شدت کرده قطعه سواره مفرزه غرب را ضیف میسازد و قریب است که بوضع غیر منظم شکست کند که درین انتا کشک پیاده کشک میبرید و درین زمان قطعه سواره مفرزه غرب قوی دل شده میدان جنک را به پیاده میسازد که می باید عادتاً سواری کاری بروند جونک میسازند از افراط علاقه مندی باین نوع تماشات حریه که حسیات فظی دیجیل را تازه و تهییج می کند پیاده رفتند. با اختتام ساعت سه پیش از بلندی های میدان از ناحیه های برند و هر سر دریک جای بوضع غیر منظم که روی زمین از دلهای بر از شوق و شغف اخفا بوضع غیر منظم انتظار جریان عملیات را شنیدند که جناب سید محمد سایی و اشالوا مشر مکات عسکری لامنه را که در آن موضع دفتریات ماوره و سجره ایانه کشته و غیره منظم شکسته و مدافعان رحمت میکردند و مفرزه

قرات :
نام افغان، شاه غازی، کرد در دوران بلند نقش بدل جون نگین نام شه دوران کنید

قرات :
جهن و استقلال، سال بخوبی آمد کنون
رخ سوی عشرتگاه صیغه پیمان کنید

(موسیقی)

شب سه شنبه (۱۵) ۱. در حیث پیاز توب سمع شیرین زین خوانده بود — ساعت (۸) دسته حلیه، قاسم که حواسه شهر شیر غنیز کابل ماست. در محنت هرس وجود نمود و از حوالدن ایمان مناسب حال و سرایشدن مقامات عجوبه مختلف، سامین را خیلی محظوظ داشت، الحق استاد مشارکه در اصول موافق بطری هندی بر مذاق اهل وطن مهارتی بتمام دارد. اشخاصیک باصول علم موسیقی می دانند، و افرادیک از فرمیدن آن عاجزند علی السوه از سرایدن استاد مذکور سرور کردند از استاد مشارکه از سرایمن راگ ها و ترمهای رودیکر مقامات مشکل و بعید القهم اجتناب نموده تها بسرایدن عمل می آید.

(ماوره عسکری)

پو گرام جشن روز چهارشنبه (۱۶) اسد از ساعت (۳) ناساعت (۶) ظهر اجرای (ماوره عسکری) در میدان پیشتوت آشان می داده این بود که ساعت (۲) رفق صردم جات پیشتوت آغاز شده هر کس خواهش داشت که زود تر خود را بعیدان مذکور برساند واحد موقع مناسب نماید، این جهت غالب صدمه وجود کی مسافت وقت بضاعت به سواری کاری رفته و کاری باها استفاده از فرست تهوده کرایه کاری را چهار چند پیچ چند بلند کردند با این هم صردم سوار کاری شده برقند و اشخاص پیشتوت ایجاد کردند و می باید عادتاً سواری کاری بروند جونک میسازند از افراط علاقه مندی باین نوع تماشات حریه که حسیات فظی دیجیل را تازه و تهییج می کند پیاده رفتند.

با اختتام ساعت سه پیش از بلندی های میدان از ناحیه های هارند و هر سر دریک جای بوضع غیر منظم که روی زمین از دلهای بر از شوق و شغف اخفا بوضع غیر منظم انتظار جریان عملیات را شنیدند که جناب سید محمد سایی و اشالوا مشر مکات عسکری لامنه را که در آن موضع دفتریات ماوره و سجره ایانه کشته و غیره منظم شکسته و مدافعان رحمت میکردند و مفرزه

نمری اور اعماق کرده می آید اخیراً تعاقب مفرزة شرق صریح شده در وسط میدان پادشمن ملحوظ شده کار بجزک سرفزه می کند چندی جلک سرفزه دوام کرده مفرزة خوب بمحالت پریشان نواحی پشم و پیکنوت را بذاشته فرقه خود ملحق میشود و مفرزة شرق فراز اواس و قشت که فرمادان شان فربیب داده بود حرکت و عمل کرده کامیاب و مظفر می شوند .

این اقدامات و حرکات میدان بک محاربه حقیق را لشان میداد برداشتن عروجین از میدان ورساندن به شفاخانه و دیگر اوضاع و محلات بک محاربه تمامآ وجود داشت و صدم را شوق و ذوق محاربه کرده بک حالت وجه رعوم طاری شده بود . بعد از آن اعمال مانوره که از طرف شاکردان مکتب حریه نیست . وبشاکردان مکتب سورپاپنی کو دند که آزادی بهر طرف افع حسب خواهش و طبیعت خوبی سید و فرج نموده فکر خرابی سبزه ها و کله ها و جایها را مخاطر نکرید .

بهر سمت پلخ زبر درختها و کنار کاهها و طرف فواردها میزها و چوکهها و دریاز چوکهای محمد و اعلاه برای لشان فهمانان بقیه بخت خیل دلکش و زیبا نهاده ، و انواع فواک و شیرپهای و شیرچای و شیرچ معز ما کولات و مشه وات تازه و لطف عصریه روی میزها گذانه شده ، سازهای هندی و موزیکهای وطنی به نقصدها و آهنگهای بسیار شیوه مقتضی بود ، کسی بچوک لشته از صرف ما کولات و متروله لشان میگرفت . و بعضی برخیانها و اطراف کلهای قدیمه از مناظر طبیعت و علمن قدرت و هوای تازه مطر و روانع کلهای رشحات فواره هالطف می بردشت .

اما چیزیکه جال طبیعت و موجب یکجهان تشك و بکمال منویت است اظهارات عبیت آمیز و اوضاع مسرت اینکیز ذات اوشان میدهد . دختش را لختر کرده اورا بحضور مادرش تهدید و تسلیب می کنند ناوی بحال او خالم شده بیول خود را لشان دهد در اینین دختش بعله اعلان می گند که بزرگین فرقه که درین توایی است به اسداد مارس هلن است که بک پیلوان قوی بیک قوی بازویسا شده با جماعت دزدها زدو خورد کرده آنها را مغلوب می سازد و اخیراً سنه به قلمی سرافه بشنود و دزدها مقص و جانی ثابت شده و بر علی آنها حکم می شود .

اطبله شرح حسن و مسرت بخشیهای ظاهری و معنوی این بخایت از قوه بیان و بخر رون است . قریب مغرب بود که میزان مهرمان فرمودند اکر کسی میروداختبار دارد . در اینوقت اکثر صدم شروع به رخصت شدن که هدات شاهنه بک اظهار عجت و (ماملن خدائی) می نمودند .

نایابات عصیان مکتب حبیبه دعوت صربه در روز کرام جشن روز عیشنه (۱۷) اسد برای ملاقات دوستان و ضیافت احباب تاریخ کذات شده بود . اعلیحضرت غازی بعای

عصیان مکتب حبیبه نشاند این بعض نایابات عالی را بذریه (عجل لیتنن) قانون طلسی و عده و اعلان نموده بودند . شب آنچه

آتش بازی

علاده از آتش بازیهای مختلف که هر شب بعداز ساعت (۱۰) روش میشد و باع عمومی را همچو بک حدیقه نور می ساخت شب (۱۷) اسد بک شب مخصوص کلریزی آتش بازی بود بساعت مقرره عموم صدم رای غماشا حاضر باع عمومی شدند و ناساعت (۱۲) اقسام عجیب و انواع غریب آتش بازی از از کلریز و ماهیهای جرخهای دور و مشجر و برجههای متحرک و ستاره های سیار و ذوات الاذناب و بیان انواع و اشکال مختلفه دیگر که شرح آن مشکل است افروخته شد و دلایلی غماشاجی هارا با اثار مسرت و بهجت روشن ساخت .



حواله حکایت

ایران

بالشکه از طرف سفارت و مرتعین انگلیس بستهایت کوشش بعمل آمد که تفر و از جار عمومی را راجع به تبعید علماء اعلام تخفیف دهنده ممکن نشد و هیجان اهالی بر ضد عملیات مأمورین انگلیس بک و ضعیت خیلی و خیمی بخود گرفت در طهران برای اظهار سفر از عملیات انگلیس درین آن شهر نعام بازارها و مقاومه ها برای سه روز تعطیل عمومی بسته شد پلیس خواست از تعطیل جلو کیری دند موفق نشد و منجر بزد و خورد گردید .

ادارات دولتی هم دون استانا امروز تعطیل شد و پرونست خود را اعلام کرد .

مجتمه دین تبعید شده از کرمانشاه حرک نموده بزم وارد شد . — در همین ایام در طهران بانک روس و ایران مفتوح بیشود مدربوت آن بهمه رفیق (سوادزی) واکذار شده . شرک تجارتی ایران و روس در این چندروزه افتتاح خواهد شد در دهم اکست از مسکو به همان اشیاء بسیاری برای نایاب فرستاده میشود کا عدد زیادی از آنها میباشند فلاحتی و وزراعی

نایابات موعده را در حجه نهشیل بعرض نایابش آورند : نایاب ، اولاً از طرف بک جماعه طلب بخواهند بک ترا نه . اتفاقی که (ترا نه در جات) گفته میشود و نایابی موزیقی در غایت خوش آهنگ سراییدند افتتاح شده حاضرین را خیل عظاوه ساختند . بعدازان عبد الله خان شاکرد صنف رشدیه در باب جهانی های هوانی معلومات فنی و تاریخی مفصل بیان نموده واضح ساخت که اول ایجاد بالون برکدام نظریه بود و بطور تغیر و تبدل پیدا کرده به جهان هوانی و زیلن رسید و فرق بین جهان های هوانی و زیلن جیست و تبز اشکال مختلفه با لونها و طیاره ها وزبان هارا روی بردنهای بذریه بخک نشان داد . بعد عبدالظاهر خان شاکرد صنف رشدیه اشکال بعض حیوانات وحشی را روی بردنه نشان داده احوال و طبائع آنها را از روی علم حیوانات بیان نمود .

بعد ازان (ترا نه اتحاد) بزبان ترکی از طرف بک جماعه باموزیک سراییده شد . بعد ازان (آفتاب دین) ، شاکرد صنف رشدیه نظام شمسی را بر بردنه نشان داده ترتیب حرکات و اوضاع کواكب سیاره و ظهور شب و روز و علل کسوف و خسوف و دیگر معلومات جغرافیای ریاضی و طبیعی را بیان نموده . ازان تصاویر بعضی حیوانات را نشاند اده بعضی حکایت های عبرت اینکیز نسبت به آنها بیان کرد .

پس ازان بک (جماعه ترا نه از دوی داکتو اقبال را که چین و عرب هارا هندوستان هارا ... اخ باموزیک سراییدند . بعدعبدالا افتتاح خان شاکرد مکتب حکام قصه سیاحت بک شخص طوبیل القامت را در جزیره صدم قصیر القامت که کپتان (کو یل) نام دارد و دریک جهاز بخزی در بجزر های جنوبی سیاحت مینمود دریک جزیره از طرف مردمان کوتاه قد (شن انجه) اسیر میشود و عنزی با آنها میکنند اند و اخیراً آزاد میشود امر عجیب در این قصه کوائف سلطنت و ادارات و انتظام عملیات و مدافعت اجانب این صدم کوتاه قد است ازان بس عبدالرشید خان شاکرد مکتب حکام نسبت به عمارت قدم هصر و هند و بیان مهندسی واحوال تاریخی آنها افاده معلومات نمود . بعد ازان فدا محمد خان شاکرد صنف رشدیه بر تاریخ فن عمران نعلی نمود و مهارت مهندسین اسلام را خاطر لشان ساخت در این قصیده مبارک باد جشن از طرف بک جماعه خوانده و از اجانب حضار به اظهار نجیبین و کف زدنها آفرین ناق کردند .

حضرت به اظهار نجیبین و کف زدنها آفرین ناق کردند .

صلاح صرف بر بیک دغد ماند. بلکه پس از این مطلعات باشد
باید دوام صلاح برای تمام پیشریت پلک احتیاج برمدست باشد
ارواه مارا بمنظمهای قدمی بس اذین بینند و در داخل دایره
مساویات پایا داشت داشته باشد.

مامائی شرق های ة بیم به مفهومهای تختم نغل و قلم
تحمل نی کنیم احلا بوب آن رسیده است کافی و مختلف
های دینیارا بمنتهیات انسانیت کاره از فرم پایه نموده مناسبات
برادرانه، مابین رئیسی و افغانستان اصل حیلی ترمی دارد
و این صالح اوسیه های زیاد اسباب ابدی شدن و قوت یافتن
مناسبات مذکوره خواهد شد.

(مدتیت حیوانی پاروح حیوان پرست)

(وقت مرک و صیتبک اور ویانی چه بود)

روح پلک اور و پائی که تریت یافته او را پاشه خلی قابل
تماشا است (بلی صدر) می کوبد بلک شص جازج کارتلین
اماکیس، نایب یوست ما-تو علاقه (تون فورد روکس بورن
هرنس) بوقت مرک خود رای داکتو و صیتبک که بعد از
فوٹ من این سکرا که مامن از سالها موافق به آسانترین
طریقه شسته و مامن دفن نماید، بعداز اینکه حارج کارتلین
مرد داکتو مذکور سک اور، عنز تون بار ماند کان اور
حیات دنیا و عقبای اور، صرمانیه زندگانی اور اکتیه با او
پیکجا دفن نمود این زمان پیچاره زمان حال میگذر: آه کاش
مرا این بدار دیوام دوست نمیداشت، کاش این انسان حیوان
میبود تا وقت مرک کسی زمان را نی فهمید، ناوصیت او
علی نی کردند و او ذاتاً وصیت را نی فهمید،

خدا زند (داره بین ادا کابن اور و پایه ای اولاد حیوان
لشان داده و آها را اینست قبده بمحبت از نی حیو نات اعم از
کیف و نظافت چنان و اداره وابسته ساخته) بن حلا اکرجه
بوزیه نیم وی سک زرد برادر شغال کتفه قرمان میشوم ۱
مرام هم با او! باو! پیکجا دفن می کنند! اهی! اور ویا!
خیال شما کدام دوونه زیود، وصیت آنسته، ما وصیت

مجا آورند؟

(بلک ایان شش حواله)

ملوم است که هم افراد وع ایان پنج حس: باصره
سامنه، ذاته، شامه ولاسدارد، در این روزها در بیک از
از شهیهای بلک (ناروی) که روش ایال و روابط شخصی

کرده است. جهارها قریباً ماحصل آمده بیلی تو اند. بسیاری از جمهوریهای بمحرومی کادر بسادر بودند ضریق شده اند. انتخابات
بسیار کوتا ایشون (۱۵) لک کتفه می شود ضریق و حرق و تاقم
شده اند. اما انداده صحیح تلفات غوس و ضایه ای اموال و خسارات
معماری هنوز معلوم نیست.

(هوای جنک در اروپا)

بلک هیئت ایطالیه برای تجدید صرحدات ایالیه مامور
شده بوده دریک موقع عده از اشترار از کینکا، جسته
روزه مذکورهای طنک نموده بلک عرنیل و دو صاحب منصب
لظامی ویک رجیان ویک موتو ران را بقتل و صانیله اند
حکومت ایطالیه برای جیران این جذیت ای زبونان رضیه خواسته
و نوطه که در این باب فرستاده قبول هفت فقره بیرون تکاف
نموده که ازار جله بیک آدبه (۵۰) لک بود است از طرف
بونان لسبت به قبول وظه و اغیر آن لیت ولعل شده عساکر
حکومت ایطالیا بلک شهر و چند جزیره بونل را تصرف کرده
ای زبونان را قبول نه افظ عبور تعبانه مفکرین نیتیجدا و خیم
می پیشند. فرانسه در این مسکه خود را بی طرف ساخته محض
نکران است. وطایه می کوید باید مسئله به جمع بین المللی
محول و در منتهی دقت و دور بینی کسویه شود نامنجر بمحرب
نکردد.

(امکار وحوادث)

(در اطراف صلح لوزان)

از جریده وقت استانبول

مورخه (۱۶) اکت

سفر افونی سلطان احمد خان بیز در حق صلاح میانات
نیل را داده است - غلط است، اکر بکویم که این صلاح، شنا
صلح رکی و ولذتله است، این صلح، صلح غرب و شرق است
برای ادامه این صلح بمنکلات بسیاری حاصل شده است
کوشش کودن هر طرف لازمت، هر کوشش دی ایز واد
مخالفت ملا مالس، هم اینها مانند مواد تا به بلک امک
شله غرف مخراج است. جیز بلک نشام است اینه که:

است رفیق کارا خان بعنوان مامور فوق العاده بظهور ان حرکت
گردید است. در بازار (نیز نی گورو) قریب بخانه نظر نجاشی ایرانی
وارد شدند و مقدار مال التجاره که در بازار مکاره امسال وارد
شد هفت برابر سال آذنشته بود. مسافرین ایرانی آنها بیلی باشند
برای دیدن وسائل زراعی بسکو بروند از سرحد ایران تامکتو
بدون تدبیه قیمت راه آهن ممکن است مسافرت کنند. هیئت
نمایند کان امریکائی که اعضاء آنها مشتعل بر سنا نورهای
اصمزیکاست وارد مسکو شدند.

مسئله تبعید مجاهدین برای ما و جامعه اسلامیت نهایت
اهمیت زرکی دارد و معلوم میشود این مهادمات دولت و تلکیقات
ذات شاهانه و تعریضات عمومی و مسافرت و زر ایلکلیس از
طهران به بینالهیل راجع براجعت دادن علمای اعلام حمه
بلا نتیجه مانده و بالآخره منجر بلک هیجان عمومی شده.

این نفعه که طرح آن از اول آنچه در مقامات دیپلو ماسی
بریطانی رخنده و تبیه شده است با این معنی و سادگی بیست و برای
ایران و مالک اسلامی و سیاست مشرق زمین خیالات موحش
و تفربات خطرناکی زیر سردارد. موقع آن رسیده است دبلومات
ایران این پیش آمد خطر را (که برای زمین زدن او تدارک
شده) با نهایت درجه سختی و متأثر استقبال کنند و قضا
یار ابو سائل عاقلانه خاتمه دهد و الا طایز شدند و رفقن هان
و ظهور بلک کوئد نای هولناک که شراره آن ایران را طمعه خود
خواهد ساخت همان ایت (استخراج)

ایض

محیر خصوصی مامن نیویورک:

۱- هزار را بورت واسه که از مشهد رسیده است تمام
دکانها بسبیل تبعید علماء بینالهیل و نجف و بغداد بسته
شده و سردم در مسجد جامع بستی شده مشغول مذاکره
 Hustend.

۲- در تربت حیدریه هم دکانها را بسته اند زلزله سختی هم
بیرون قبیل در تربت حیدریه واقع شده است ولی ایندهم
زود خبر شده اند کسی تلف نشده است.

۳- در طهران و ولایات خلیل شورش است بواسطه تبعید
علماء ایالت خراسان بعثاب شجاع الملک مرقوم فرموده اند
که بواسطه تبعید علماء مردم دست از کار کشیده و مسجد
جامع نشسته اند شما متوجه باشید که در اینجاها و صرحدات
بنقطی واقع شود و یعنی مجالس و خطابه ها کسی ننکند.

۴- هشتاد و پندر ذکور و مانند تیه دولت علیه هناف که
ورست است بروز نموده است. سواحل ایان شکل دیگر اخبار

۱۸۵۰	۱۸۴۹	لاجیری تبلو	۱۲
۱۸۵۲	۱۸۶۰	ملرد فلمون	۱۳
۱۷۵۷	۱۸۵۳	فریشتلان پرس	۱۴
۱۸۶۱	۱۸۵۷	جیمس بوستان	۱۵
۱۸۶۵	۱۸۶۱	ابراهیم لکولن	۱۶
۱۸۶۹	۱۸۵۶	ایندریو جانفسن	۱۷
۱۸۷۷	۱۸۶۹	ایس-ایس کیرافت	۱۸
۱۸۸۱	۱۸۷۷	روهر قوقلیس	۱۹
.	۱۸۸۱	جیمس ای کاردنبل	۲۰
۱۸۸۵	۱۹۸۱	مارج و سبر	
۱۸۸۹	۱۸۸۵	جیس-تری ارتر	۲۱
۱۸۹۳	۱۸۰۹	کرد و کلیولیند	۲۲
۱۸۹۸	۱۸۱۳	خجن هریسن	۲۳
۱۹۰۱	۱۸۹۷	کردور کلیولیند	۲۴
۱۸۰۹	۱۸۰۱	ولم میک کان	۲۵
۱۹۲۰	۱۸۰۹	تیودور ولت	۲۶
۱۹۲۱	۱۸۱۳	ولم ایجم ناف	۲۷
۱۹۲۳	۱۹۲۱	وود وود ولسن	۲۸
(مدبته)		ویون چی هارولد	۲۹



است که بحیث ششم دارد و آن حیث دیدن اشیاست از نجف
جواب و پشت جیوال و خامای رور - پولیس ازین قوه ششم
اوصار او خدمات بسیار اعده نموده است چنانچه بعض اموال
مسروقه را که بزدها مسافة چند میل دور رخنی داشته
مودن اشان داده است در بلک و امامه بیکر هم احوال مسروقه را
لشان دارد آنقدر فلان و ملان جای است حال اینکه این خارقه
قدرت از اتفاق اشیاءن خود حرك هم ندارده باری بک بک
پیش قبیت هنگو داشد پوابس برای پیدما آردن آن بسیار
نلاش و شخص نمود و سر غم توالت شخص مذکور پولیس
را آف داد آن سک راهله ملان ، ادی است این وادی از جانبه که
شخص مذکور نشان داد بعده چند میل دور بود و بقرار
کفته او جون محقق نمودند عیناً موافق و درست بود . این
شخص اهور تن ام دارد . می نمود که شخص منزه بیک
ظرف اعمی از بخ تورهای روف دریافت و کشف نموده است
از الله بعلی علی شی قبر - سیاست محولة سوراجیه

(فهرست اسمای رئیس‌های جمهوری امریکا)

جادیر منطقه امریکا به رور مازوی چزوال (جارج واشنگتن) فار و از از کنندۀ امریکا در سنه (۱۷۸۵) عیسوی
از قبیل استهار بر طایه آزاد شده استقلال یافت و بیک جمهوری
انجمنی از چند جمهوریها کوچت نشاند داد . و در سنه
(۱۷۸۹) عیسوی بجزال و انتکن مذکور بیاست جمهوری
امریکا انتخاب نمود . بعد از ریاست این رئیس اول اسمای
روزای این رئیس نامنوفت قرار دبل است .

نمبره ای	اسم رئیس جمهوری	الی سنه عیسوی
----------	-----------------	---------------

۱	جاج و اشنگن	۱۷۸۹
۲	حدمن آدم	۱۷۹۷
۳	نامس جافرسن	۱۸۹۱
۴	جیمس بیلدسن	۱۸۰۹
۵	جیمس مند	۱۸۱۷
۶	جامن کوئنس آدم	۱۸۲۵
۷	ایندر و چیکن	۱۸۲۹
۸	مارتن وان بورین	۱۹۳۷
۹	ولم ریچ هریسن	۱۸۴۱
۱۰	حافن بلر	۱۸۴۱
۱۱	جیمس کی - بولک	۱۸۴۵

اعلان

ملا عبد القادر که برگزار در ریا عقب بازار کشمکش فروخت
دکان دارد . اموال وطنی را از قسم چک های پیدا نمود
کشیزه های دریشی و غیره بقیمت ارزان را از فروش دارد
دکنده های فروشند . هر کمی آزو دارد با مراجعت غایب
و تجربه کند .